

## برخورد دوگانه ای از طراحان استراتژیی های نجات افغانستان! نه سیخ بسوزد نه کباب!

پیوسته به گذشته بخش ششم:



نوشته ای از محمد امین فروتن

### یادداشت غیرمترقبه !:

دراوج انتشار پنجمین بخش این یادداشت بود که بار دیگر تناب های محکم تنها خیمه یا " چادر " لویه جرگه اضطراری باز شدند و جالتمآب کرزی که تازه از بازدید نمایندیشگاه ملی صنایع افغانستان بازگشته بود با ژست قدرتمندانه بروی ستیژ حضور یافت و در حالیکه شیشه های دارو های رنگارنگ را از جعبه های معینی میکشید طی سخنانی که مانند همیشه با تعرفات و تشریفات مصنوعی آغاز میکند و تمامی رجالی را که باوی خاطرات دبستانی و مافیائی دارند و آنها نیز در قسمتی از این سیستم مافیائی مشغول اند و امرار معاش میکنند یکایک آنها را با تمامی القابی مانند دکتر صاحب فلانی خان ... و پروفیسور ...مورد خطاب قرار داد و طی یک سخنرانی نسبتاً مؤجزی در باره مسائل مختلف منجمله ( افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ میلادی) سخن گفت . اما آنچه که توجه همه بیننده گان و شنونده گانی را که در بیرون از جغرافیای بنام افغانستان و دائره طلسم مافیای بنام « دولت جمهوری اسلامی افغانستان » زندگی میکنند ، جلب ساخت همانا قسمتی از مسائلی بوده که در مراسم گشائیش کنفرانس و نمایشگاه صنایع ملی در کابل و در تالار خیمه یعنی " چادر " تاریخی لویه جرگه یا مجمع بزرگان قوم صحبت کرد و در مغائرت با سخنان و فرمایشات بلند بالا و میان تهی ی بوده که قبلاً و بارها آقای کرزی و گروهی از مشاوران

مافیائی اش جهت اطمینان و اقتناع دروغین و مصلحت آمیز!! کشور های همسایه طماع افغانستان که « نه سیخ بسوزد و نه کباب! » برزبان آورده است که گویا با:

« حضور نیروهای خارجی در افغانستان و ساخت پایگاه های نظامی غرب بویژه امریکا برای امنیت وثبات کشور های همسایه هیچگونه خطری متوجه نخواهد بود و از خاک افغانستان در برابر کشور های همسایه هیچگونه تجاوزی صورت نخواهند گرفت !! »

و از همه مسخره تر اینکه گاهی هم وقتی بصورت ساختگی و مصنوعی بحث مقابله و نبرد ایالات متحده امریکا با یکی از کشورهای همسایه روی آنتن تبلیغاتی قرارگیرد جلالتمآب کرزی و مشاوران سکتور " سیا " سی و امنیتی اش با شمردن وجوهات مشترک باکشور همجوار افغانستان به حمایت از کشور همسایه شعار میدهند در انطباق با مثل معروف عامیانه که میگویند : مدعی از دعوی اش صرف نظر کرده بود اما گواه از گواهی اش نه میگذاشت! " اینبار در مغائرت کامل با آن اطمینان های پوپکی و آبکی به کشور های همسایه ، خود بر تابوت آن شعار هاو اطمینان های میان تهی و پوچی که طی یازده سال گذشته در گوش سیاستمداران و فعالان سیاسی نواخته بودند میخ کوبیدد وقتی در اوج یک سفر معراج گونه که بر بال های " براقی " از ثروت به مقام دیگری رسید ناگهان با ژست مصنوعی یک زعیم ملی با مشروعیت توده ای !! پس از چند فائزه کشیدن های متواتر بدون مقدمه اینگونه آغاز کرد :

« به اطمینان کامل با امریکایی ها و غربی ها یک معامله می کنیم که نه سیخ بسوزد و نه هم کباب که منافع هر دو طرف تامین گردد. بند ها و پروژه های بزرگ اقتصادی ما را کمک کنند و نیروهای امنیتی ما را تقویت و مجهز با تمام وسایل عصری کنند. باقی در منطقه هر چیزی که می کنند ما کاری نداریم. »

برای کسی که از نا سلامتی بر مسند " ریأ " ست جمهوری با پسوند " اسلامی " در افغانستان تکیه زده است برا زنده نیست که هر روز و در هر محفلی ساز دیگری را بنوازد . و طرح دیگری را بریزانند !!

متأسفانه شخص " شاه غلام " و حواریون اش با این هذیان گوئی ها عادت کرده اند و لابد در نشه قدرت و ثروت ! از یاد برده و یا هم شاید به خواب عمیق همچون خواب « اصحاب کهف » رفته است که بیش از یک دهه از عمر ناچیز شان بر مسند قدرت پوشالی سپری شده و صد ها میلیارد دالر را در قمار قدرت باخته اند و هنوز هم در اول داستان اند . !!

**باز هم طرحی برای صلح مسلح !**

در مبحث قبلی گفتیم که تیوری صلح با شعاری « نیروهای امنیتی با حالت و ترکیب فعلی باقی بمانند، برای هر کدام (اردو، پولیس و امنیت ملی) چنان شورای رهبری با صلاحیت ساخته شود که به این نیروها صبغه ملی بدهند، به نفع کدام گروه، قوم و سمت بکار برده نشود، بطور کامل تحت سیطره و اداره دولت باشد، در شورای رهبری آن چنان کسی نباشد که به نفع یک گروه در مقابل دیگری جنگیده باشد، **تناسب قومی در آن مراعات شود**، اشخاصی باید از موقعیت های حساس امنیتی دور ساخته شوند که در جنگ هم همراهی روس ها را کرده اند و هم ناتو را و اکنون هم دوام حضور ناتو را می خواهند »

که از سوی جناب حکمتیار رهبر اپوزسیون مسلح کشور به عنوان یکی از طرح های اصلی به گوش عام و خاص رسید ، یک طرح « بی سر و ته » ، نه تنها متناقض با واقعیت های زمان بلکه در تناقض با اعمال و عملکرد های است که حواریون و هواداران سرپاقرص اش گاه گاهی دست هایشانرا با خون بیگناهان آلوده میسازند .! فرض کنیم آن برخورد مسلحانه و شعار « انحلال » آرتش مجهز آن روزگار را از نوعی حسن نیت بدانیم باز هم این اشکال مهم در باره این شعار بیمارگونه برجای خود باقی است . به عبارت دیگر اگر منظور استفاده از واژه « انحلال » ، دگرگونی بنیادی ، نوسازی ، بازسازی و تصفیه اساسی و بنیادی باشد این سوال نیز در ذهن احادی از مردم افغانستان خطور میکند که انگیزه این گونه شعار های جنون آمیز از دل و دماغ کدامین دیکتاتور خود کامه برخاسته است .؟ چنانچه می بینیم از اول هم گویا آن شعار به همین منظور بوده است که آرتش معیوبی ایجاد شود تا بصورت یک شرکت سهامی متحد از همه اقوام ، قبائیل و ملیت ها وزیر زعامت فرشته های آسمانی !! که به قول جناب حکمتیار **دردشورای رهبری آن چنان کسی نباشد که به نفع یک گروه درمقابل دیگری جنگیده باشد، تناسب قومی در آن مراعات شود**، اشخاصی باید از موقعیت های حساس امنیتی دورساخته شوند که درجنگ هم همراهی **روس ها را کرده اند و هم ناتورا** اکنون هم دوام حضورناتورا می خواهند. و باز هم به اساس این طرح برای هرکدام (اردو، پولیس و امنیت ملی) چنان شورای رهبری با صلاحیت ساخته شود که به این نیروها صبغه ملی بدهند! نه میدانیم که نظریه « تناسب قومی » را که در طرح ارائه شده جناب حکمتیار به عنوان شاه کلید حل بحران که موسوم به خطوط اساسی راه حل ارائه شده از سوی حزب اسلامی افغانستان یا یکی از پایه های اصلی "اپوزسیون مسلح" در جامعه محسوب می شود با طرح های دیگر افراطی و ناسیونالیستی تا سرحد " فاشیسم عریان " در جامعه فقیر ما که بدون هرگونه مدعای بلند بالای مذهبی و دینی غرض رفع بحران در جامعه افغانی ارائه میکنند ، هیچگونه تفاوتی ندارد . و خوشبتانه که مفردات این طرح از همان اول با دستایر الهی و آسمانی که

حزب اسلامی افغانستان به مثابه یکی از قدیمی ترین تشکیلات سیاسی مذهبی در جامعه ، و دیگر گروه های که جهت کسب سرمایه و ثروت و پسوند های از قبیل " اسلامی! " ، " ملی! " و اخیراً " دموکراتیک! " را در جامعه عقب مانده و با هویت مذهبی افغانستان چسب میزنند در مغایرت کامل قرار دارد . زیرا چه کسی نه میداند که الزاماً اکثر مخالفتها و درگیری ها ماهیتاً بر نابرابری های قومی و قبیله ای استوار نیست . اما نباید از این واقعیت « اظهر من الشمس » نیز چشم پوشی کرد که گاه گاهی قدرتمندان و غارتگران سود جوی نظام های مافیائی سرمایه داری معاصر برای چاپیدن بیشتر توده ها و غارت کردن آنها ، بحران درجوامع بشری بویژه افغانستان را محصول توجه نکردن به « مسأله ملی » می دانند و در راستای ارائه راه حل های مناسب از سوی نخبه گان ، روشنفکران و اهالی قلم ، حل « مسأله ملی » را از اولویت های هر طرح می شمارند . این نوع برداشت از فاجعه و راه حلها ی آن اتفاقاً در اکثر طرح های پیشنهادی برای حل بحران در افغانستان و با طرز دید های مختلف و با شدید ترین شکل و تحریک آمیز ترین روش درج گردیده است البته این را هم باید اضافه کرد اگرچه کسانی و نیروهای که با دید مذهبی و اسلامی خاصی به این مسأله نگریسته اند وابسته گی های قومی ، زبانی و نژادی شان سبب شده تا بر قضاوت هایشان بویژه در زمینه حل « مسأله ملی » نه تنها مانند دیگر هم تباران شان با اندیشند بلکه آن تفکر ناگوار و شرک آلود نسبت به « مسأله ملی » را بنام روح دینی و مذهبی به جامعه منتقل میسازند .

**ادامه دارد**